

گفت و گو با دکتر حمیدرضا قلیچ‌خانی، خوشنویس و پژوهشگر

تاریخ جعل آثار هنری، همزمان با تاریخ هنر است

خوشنویسی، کتاب‌آرایی و نسخه‌برداری مجموعه‌ای از هنر هاست که سبب تهیه هزاران نسخه خطی و مرقع شده است؛ مجموعه‌ای از هنر هاهمچون روزافزی، کاغذسازی، کتبت، رنگ‌سازی و رنگ‌آمیزی، نقاشی، تزئینات متن و حاشیه، صحافی و جلدسازی و هنرهای وابسته به هر یک. گستره این هنرها و فنون سبب می‌شود تا میان آداب این هنرها و بسیاری از اصطلاحات دبیری و دیوانی، ارتباط نزدیکی برقرار شود و از این روزمره‌های مشترک فراوان داشته باشند.

محمود توسلیان
گفت و گو

اصطلاحات و ترکیبات این هنرها چون بسیاری از دیگر نمودهای فرهنگ و هنر ایران، پیش از هر جا در ادبیات و به ویژه شعر تجلی یافته و ثبت شده است. بسیاری از ادیبان و شاعران، کاتب، دبیر و بامنتشی بوده‌اند و همچنین بسیاری از خوشنویسان و نگارگران نیز از سخنوران بنام دوره خویش شمرده می‌شوند. ابن ویزگی از ابوعلی محمد بن علی بن حسین بن عبدالله شیرازی ملقب به ابن مقله و ابو الحسن علاء‌الدین علی بن هلال مشهور به ابن بواب و ملقب به قبله‌الکتاب، تا دوره معاصر جریان داشته و در برخی ادوار چون سده نهم تا یازدهم به اوج رسیده است. این مهم نشان می‌دهد که پژوهش در عرصه خوشنویسی، اکنون دیگر یک امر مهم و حیاتی برای این هنر به نظر می‌رسد. دکتر حمیدرضا قلیچ‌خانی، علاوه بر اینکه علل به هنر خوشنویسی است، در زمینه پژوهش گام‌های بلندی برداشته است که یادآوری از آن‌ها در این مقدمه مفصل می‌شود. زرافشان (فرهنگ اصطلاحات و ترکیبات خوشنویسی، کتاب‌آرایی و نسخه‌برداری در شعر فارسی) در آمدی بر خوشنویسی ایرانی، فرهنگ واژگان و اصطلاحات خوشنویسی و هنرهای وابسته، کاتبان شاهنامه، حیات خوشنویسان و... نمونه‌هایی از آثار این هنرمند پژوهشگر هستند. خبر نگار صبا، با وی به گفت و گو نشسته است.



پیدا کرده است، البته ناگفته نماند که مثال بالا برای اثبات استادی و قدرت کاربلدی بوده است نه برای دریافت هزینه، با وجود این هر چه به عصر حاضر نزدیک‌تر شدیم، موضوع جعل برای کسب درآمد به یک مشکل جدی در هنر خوشنویسی تبدیل شد.

یک نکته در این باره، بحث در د معاصریت است که هنرمندان فعال در عصر خودشان نادیده گرفته می‌شوند اما استادی که دوسه نسل قبل تر می‌زیسته در این دوره صاحب‌نام و مطرح شده است، این اوضاع را چگونه تحلیل می‌کنید.

در چنین اوضاعی، استاد معاصر ناچار است که بیاید و کار استاد نسل قبل از خودش را کپی یا جعل بکند، بلکه دیده بشود و معیشت‌اش را هم از همان بگذرانند. این قبیل اتفاق‌ها در عهد قاجار افتاده است و تا عصر حاضر که کارهای استادانی مانند رضامافی، محمد احصایی و غلامحسین امیرخانی و تنی چند بر اثر آرایه در حراج‌های هنری ارج و قیمتی پیدا کردند و یک سیل از جعل آثار آنان به وجود آمده است. من سال‌هاست در کتابخانه ملی ایران و موزه خوشنویسی ایران به عنوان مقوم مشغول خدمت هستم و بر این پیش آمده که اثری از استادی برای فروش آرایه شده و بنده همان‌جا تصویر از آن را برای هنرمندی که آن اثر را خوشنویسی یا تذهیب کرده است، فرستاده‌ام و در نهایت دریافتیم که برای مثال از هفت اثر، پنج‌تای آن جعلی بوده است و گاه این جعلیات به دلایلی وارد حراجی‌هایی مثل تهران و ملی و باران شده‌اند. نکته دیگر این است که در حال حاضر جعل حرفه‌ای تر از گذشته به کارش ادامه می‌دهد، چرا که تکنولوژی به این امر

انقلاب تقلیل یافت، البته چالش‌های دیگری در حوزه ثبت جهانی و ثبت ملی داریم که شاید در این گفت‌وگو مجال پرداختن به آن‌ها نباشد.

یکی از مشکلاتی که این سال‌ها دامن خوشنویسی ما را گرفته است و رها نمی‌کند، بحث جعل است. شرایط فرهنگی و اجتماعی ما به کدام سمت رفته است که جعلین به سادگی سراغ جعل کردن آثار بزرگان هنر خوشنویسی می‌روند و اصولاً این اتفاق چگونه می‌افتد؟

معمولاً در این روند، خریدار آثار نمی‌داند محصولی که خریده جعلی است، چرا که در این نوع مبادلات فرض بر این است که آن اثر اصیل است. در نتیجه کسی که از این ماجرا خبر دارد در ابتدای امر کسی یا کسانی‌اند که فلان اثر را به شکل جعلی تولید کرده و بعد کارشناساتی‌اند که در امر خرید و فروش حضور دارند و در موزه‌ها و کتابخانه‌ها مقوم نامیده می‌شوند. کار این دسته از کارشناس‌ها قیمت‌گذاری است که از قدیمی‌ترین آن‌ها آقایان احمد سهیلی و خلیل مستوفی و استاد حائری بودند که به رحمت خدا رفته‌اند. روند خرید آثار به این‌گونه است که معمولاً خریدار یک فرد مجموعه‌دار یا سازمان متمول است، اما سواد کارشناسی آن هنر را ندارند و از بیم جعلی بودن کار، سراغ مقوم می‌روند. پس به عبارتی تاریخ جعل آثار هنری، همزمان با تاریخ هنر است. در قدیمی‌ترین نمونه‌ها از جعل گفته‌اند که این بواب به دستور پادشاه وقت یک صفحه گمشده از قرآنی به خط ابن مقله را عین خودش می‌نویسد به حدی که برای هیچکس قابل تشخیص نبوده است و این موضوع تا دوره معاصر ادامه

هنر خوشنویسی در چهل سال اخیر چه تحولاتی داشته است؟

بعد از انقلاب اسلامی به دلایلی از جمله کم‌رنگ شدن پرداختن به هنرهایی مثل مجسمه‌سازی و نقاشی و تاحدودی سینما، خوشنویسی، تذهیب و نگارگری خیلی رونق گرفت، همان‌گونه که تعداد بانوان تذهیب‌کار به اندازه کل هزار سال هنر تذهیب در ایران شدند. در خوشنویسی هم این اتفاق افتاد و روی کار آمدن استادان بیش از نیاز جامعه شد. از طرفی بارش علوم کامپیوتری و آمدن نرم افزارهای مختلف مرتبط با هنر، موجب شد بسیاری از کسانی که از طریق خوشنویسی به جمله خدمات می‌داده‌اند از این حوزه کنار گذاشته شوند. این مهم سبب شد که تعادل میان عرضه و تقاضا در هنر خوشنویسی به هم بخورد.

در چنین اوضاعی، چه اتفاقی می‌افتد؟

طبیعی است که تعداد زیادی از خوشنویسان از میدان هنر کار می‌روند و در امر معیشت مشکلات زیادی برای شان به وجود می‌آید تا جایی که مجبور می‌شوند به مشاغل غیر مرتبط روی بیاورند. این تناقضات وارد خوشنویسی می‌شود و خودشان را به شکل مشکل در خانواده و جامعه و معیشت هنرمند نشان می‌دهند. علاوه بر این اتفاق ناخوشایند دیگری که افتاد این بود که ایران آمد و در سال گذشته برنامه خوب پاسداری از خوشنویسی را ثبت کرد اما خطوط ایرانی‌ای چون تعلیق و نستعلیق را نتوانست به موازات ثبت خطوط عربی و حسن خط عثمانی ثبت کند و به همین دلیل شکل هنری خط فارسی تا حد آموزش خط تحریری در مدارس و خوشنویسی در کنار خیلان